

۱- چرا «حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» در اذان اهل سنت وجود ندارد؟

۱. بر اساس آنچه که از روایات اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) وارد شده معلوم می شود «حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» جزو اذان بوده و در عهد پیامبر اکرم (ص) و تا عهد ابی بکر و قسمتی از عهد عمر در اذان گفته می شد بعداً عمر دستور دارد آن را از اذان و اقامه حذف کنند.

متکلم معروف اشعری به نام علاء الدین قوشجی (متوفای ۸۷۹) می گوید: عمر بن خطاب نسبت به سه چیز هشدار داد و گفت: «سه چیز در عهد رسول خدا رسمیت داشت و من از آنها باز می دارم، و تحریم می کنم و مؤاخذه می نمایم: ۱. متعه زنان، ۲. متعه حج، ۳. گفتن حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ»^۱.

در روایتی از ابن عباس سوال کردند: به چه علت «حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ»، از اذان حذف شده است؟ جواب داد: «عمر می خواست مردم با تکیه کردن بر نماز جهاد را ترک نکنند و به این جهت آن را از اذان حذف کرد.»^۲

۲. «محمد بن ابی عمیر» همین سوال از امام رضا علیه السلام پرسید؛ حضرت فرمودند: علت ظاهرش را جویا هستی یا از علت باطنی آن سوال می کنی؟

«محمد» می گوید: عرض کردم از هر دو می پرسم. حضرت فرمودند: اما علت ظاهرش، آن است که مردم جهاد را به خاطر نماز ترک نکنند و اما علت باطنی آن این است که «خیر العمل» ولایت است لذا کسی که امر به ترک «حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» از اذان نمود قصدش این بود که بر ولایت تحریم و تحریکی نباشد.^۳

۳. حذف این فراز از اذان در حالی صورت گرفت که مسلمانان در زمان پیامبر (ص) به هر دو فریضه «نماز» و «جهاد» اهمیت می دادند و هیچ کدام مانع دیگری نمی شد. علاوه براینکه کسانی که این فراز از اذان را حذف نموده اند باید به این سوال پاسخ دهند که مگر پیامبر (ص) نمی دانستند خیر العمل نماز است یا جهاد تا این فراز را در اذان ذکر ننمایند ولی بعداً دیگران بعداً پی به این مساله برده و آن را از اذان حذف کردند؟

^۱ - «ثلاث كن على عهد رسول الله (ص) و أنا أنهى عنهن و احرمهن و أعاقر عليهن: متعه النساء، و متعه الحج و حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ»؛ شرح تجرید قوشجی بحث امامت

^۲ - عَنْ عِكْرَمَةَ قَالَ: قُلْتُ لِابْنِ عَبَّاسٍ أَخْبِرْنِي لِأَيِّ شَيْءٍ حُذِفَ مِنَ الْأَذَانِ حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ قَالَ أَرَادَ عُمَرُ بِذَلِكَ أَلَّا يَتَّكِلَ النَّاسُ عَلَى الصَّلَاةِ وَيَدَعُوا الْجِهَادَ فَلِذَلِكَ حُذِفَ مِنَ الْأَذَانِ. (علل الشرائع؛ ج ۲؛ ص ۳۶۸)

^۳ - حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا الْحَسَنِ ع عَنْ حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ لِمَ تُرِكَتْ مِنَ الْأَذَانِ فَقَالَ تَرِيدُ الْعِلْمَةَ الظَّاهِرَةَ أَوِ الْبَاطِنَةَ قُلْتُ أَرِيدُهُمَا جَمِيعًا فَقَالَ أَمَّا الْعِلْمَةُ الظَّاهِرَةُ فَلِنَلَّا يَدَعُ النَّاسُ الْجِهَادَ أَتَّكَلًا عَلَى الصَّلَاةِ وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَإِنَّ خَيْرَ الْعَمَلِ الْوَلَايَةَ فَأَرَادَ مَنْ أَمَرَ بِتَرْكِ حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ مِنَ الْأَذَانِ أَلَّا يَفْعَ حَتَّى عَلَيَّهَا وَ دَعَاءُ إِلَيْهَا. (علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۸)